

باسمه تعالی

- مورد هشتم: حجیت خبر ضعیف در سنن ۱
- مورد نهم: عمل مشهور به خبر ضعیف ۱
- دلیل اول ۲
- دلیل دوم ۲
- دلیل سوم ۳

موضوع: حجج و امارات / مبحث امارات / اماره پنجم: خبر واحد / تحدید دائره حجیت خبر واحد

مورد هشتم: حجیت خبر ضعیف در سنن

گفته شد خبر ضعیف و خبر مجهول حجّت نیست، که جامع بین آنها خبر غیر موثق است. برخی فرموده‌اند در مستحبات و مکروهات خبر ضعیف هم حجّت است. مثلاً اگر روایت ضعیفی وارد شود که غسل فلان روز مستحب است، می‌شود آن غسل را به نیت استحباب انجام دهد و فقیه می‌تواند فتوا دهد غسل آن روز مستحب است. پس در باب سنن روایت ضعیف هم حجّت است. یعنی می‌شود آن عمل را به نیت استحباب یا کراهت انجام داده و فقیه طبق آن فتوا دهد.

مشهور با این نظر مخالفت کرده‌اند، و خبر ضعیف را در سنن حجّت نمی‌دانند. البته قائلین به حجیت هم فقط در دائره سنن آن را حجّت می‌دانند و در دائره تکالیف آن را حجّت نمی‌دانند. پس تمسک به روایت ضعیف برای نفی حرمت، ممکن نیست.

دلیل آنها مجموعه روایاتی است که مشهور به اخبار من بلغ است. به نظر می‌رسد این مطلب مورد قبول نیست، یعنی خبر ضعیف در باب سنن هم حجّت نیست و فقیه نمی‌تواند طبق آن فتوای به استحباب یا کراهت دهد؛ زیرا اخبار من بلغ دلالتی بر چنین مطلبی ندارد، بلکه مفاد آنها این است که اگر کسی به آن عمل نمود، همان ثوابی که رجاء داشته را به وی می‌دهند. این بحث تسامح در ادله سنن و بحث از دلالت اخبار من بلغ (سند آنها خوب است)، ذیل بحث برائت در تنبیهات برائت مطرح می‌شود.

مورد نهم: عمل مشهور به خبر ضعیف

اگر خبر ضعیفی باشد که مشهور به آن عمل کرده و اعتماد کرده و مستنداً به آن فتوا داده‌اند، حجّت می‌شود؟ گفته شده مشهور بین علماء، حجّیت چنین خبری است. یعنی اگر مشهور فقهای قدیم به روایت ضعیفی عمل کرده باشند، حجّت خواهد بود. این همان مسأله جبر سند روایت ضعیف به عمل مشهور است.

عمده بررسی دلیل حجّیت چنین خبری است. خبر الضعیف غیر از الخبر الضعیف است، خبر الضعیف همان خبر کسی است که ضعیف است؛ و الخبر الضعیف همان خبر غیر حجّت است که عدم حجّیت ممکن است به سبب ضعف راوی یا مجهول بودن آن، و یا به جهت تعارض و مانند آن باشد.

پس بحث در الخبر الضعیف مع عمل المشهور به است. مرحوم آخوند و میرزای نائینی از قائلین به حجّیت چنین خبری هستند. عمده سه دلیل است که بر اثبات حجّیت چنین خبری اقامه شده است:

دلیل اول

مرحوم صاحب کفایه در ص ۳۳۲ فرموده است اگر روایتی ضعیف باشد و قدماء به آن عمل کرده باشند، ظنّ به صدور آن از امام علیه السلام پیدا شده و روایت موثوق الصدور می‌شود. دلیل حجّیت روایت موثوق شامل آن می‌شود که دلیل همان سیره عقلاست. انّ عمل المشهور به ...

شهید صدر فرموده مرحوم آخوند از عمل قدماء به خبر اطمینان پیدا کرده است. اما خود آخوند تصریح دارد که از عمل مشهور به ظنّ می‌رسیم هر چند در ذیل فرموده زیر مجموعه خبر موثوق الصدور می‌شود. پس مراد ایشان این است که برای شخص، ظنّ حاصل شده و خبر مظنون الصدور نزد عقلاء حجّت است؛ که بحث فنی نداشته و به نظر ما خبر مظنون الصدور در سیره عقلاء حجّت نیست هر چند ظنّ نوعی باشد. اگر هم ایشان چنین خبری را نزد شارع حجّت بدانند، دلیل بر حجّیت آن وجود ندارد.

دلیل دوم

مرحوم میرزای نائینی در اجود ج ۳، ص ۱۹۰ و محقق خوئی در مصباح ج ۲ ص. ایشان فرموده منطوق آیه نبأ دلالت بر حجّیت چنین خبری دارد. منطوق آیه این است که اگر فاسقی برای شما خیر آورد، تبیین کنید. پس خبر فاسق بعد از تبیین حجّت است؛ زیرا اگر بعد از تبیین هم حجّت نباشد، تبیین لغو خواهد بود. ایشان فرموده خبر ضعیفی که قدماء به آن عمل کرده باشند، مصداق خبر بعد از تبیین است.

به نظر می‌رسد اصل ادعا صحیح نیست چه برسد به تطبیق آن. زیرا خبر فاسق هیچگاه حجت نیست چه قبل از تبیین و چه بعد از تبیین، بلکه خبر فاسق باید کان لم یکن تلقی شده و مطلب را استیضاح کرد. سپس به آن مضمون متبیین عمل می‌شود نه به خبر فاسق! مطلب را به علم وجدانی یا تعبیدی فهمیده و به همان عمل می‌کنیم. پس آیه دلالتی بر حجیت خبر فاسق بعد از تبیین ندارد.

تطبیق بر محل بحث هم تمام نیست زیرا حتی فرض شود آیه دلالت بر خبر فاسق بعد از تبیین داشته باشد، عمل مشهور موجب نمی‌شود خبر بعد از تبیین شود؛ زیرا تبیین یعنی استیضاح و تحقیق.

دلیل سوم

سومین دلیل برای اعتبار خبر ضعیفی که مشهور قدامت به آن عمل کرده‌اند، این است که فتوا به یک خبر، توثیق عملی به رواه آن خبر است. نیاز نیست که توثیق لفظی باشد مانند سهل بن زیاد ثقة، بلکه توثیق عملی مانند عمل به خبر وی نیز کافی است. در نتیجه چنین خبری توثیق داشته و توثیق قدامت نیز معتبر است، پس این خبر حجت خواهد بود زیرا از ضعف خارج شده و خبر ثقه می‌شود.

این نکته مهم است که عمل به یک روایت موجب توثیق عملی راوی نیست. زیرا نهایت دلالت عمل قدامت، این است که قدامت اعتقاد به وثاقت راوی داشته‌اند، که اعتقاد بر دیگران حجت نیست. در علم اصول فقط از حجیت ذاتی قطع بحث شده، اما اگر قطع بر دیگران حجت باشد باید در اصول از حجیت شرعی قطع نیز بحث شود. لذا با فرض اینکه مشهور اعتقاد به وثاقت راوی داشته باشند، اعتقاد آنها بر ما حجت نیست.

علاوه بر اینکه اگر عمل قدامت همان توثیق است، باید به تمام روایات دیگر این فرد ضعیف هم عمل کنند، در حالیکه دیده شده به روایات دیگر آن فرد ضعیف عمل نکرده‌اند. بنابراین عمل قدامت نیز شهادت عملی بر وثاقت نیست.

بنابراین باید به سیره عقلاء رجوع شود که در سیره چنین خبری حجت نیست مگر سبب برای اطمینان نوعی باشد. این بحث کبروی بود؛ و بحث صغروی در غایت اشکال است زیرا اولین فقیهی که کتاب استدلال در فقه دارد همان کتاب شیخ طوسی در قرن چهارم است. و سپس نوشتن کتب فقهی رائج شد. لذا تشخیص اینکه قدامت به خبری عمل کرده‌اند، مشکل است. نهایتاً فهمیده می‌شود مضمون فتوا با مضمون روایت یکسان بوده است.